

حرف درشت

برگزاری دادگاه پوریا عالمی در اتریش

● **پوریا عالمی**؛ در خبرها خواندیم: یک دادگاه در وین، توهین به مقام‌های سیاسی اتریش را آزاد اعلام کرد و آن را «بخشی از حق آزادی عقیده و بیان» برشمرد. بنا بر این حکم؛ «ابراز مخالفت با یک مقام سیاسی» می‌تواند با عباراتی «تحریک‌آمیز و تکان‌دهنده» بیان شود و این «یک عنصر اساسی از حق آزادی عقیده» است. حالا ما خودمان را در اتریش فرض کردیم:

مأمور: چرا نمیری خونه‌تون؟
ما: آقای مأمور... حواست نیست‌ها... من به وسیله نشر اکاذیب، تبلیغ علیه همه‌چی کردم.

مأمور: نشر اکاذیب کدومه پسرم؟ چهارتا شوخی کردی دیگه.

ما: نه نه... سياه‌نمایی در مطالب من به قصد تشویش اذهان عمومی بوده.

مأمور: نه کلم... تو انتقاد از وضعیت رو با غلو‌نمایی که یکی از شیوه‌های نوشتن طنز،ه، انجام دادی.

ما: نه آقای مأمور... من به همه شخصیت‌ها توهین کردم...

مأمور: برو کلک... توهین کدومه؟ گفتی با عملکرد و سیاستشون توی سیاست و اقتصاد و جامعه و کشور ریلوژی کردند و شخم زدند مملکت رو. این توهینه؟ شما تازه خیلی مودبانه انتقاد کردی. جا داشتی دوتا چیز قلبیه سلمبه هم می‌گفتی بهشون.

ما: آقامأمور... باور کنید من با انتشار این چیزها و اون چیزها، سبب شدم رسانه‌های دیگه علیه ما اقدام کنن. مأمور: چی میگی؟ همه رسانه‌ها باید انتقاد کنند دیگه، یعنی اگه تو این مطالب رو منتشر نمی‌کردی، اون رسانه‌ها تعطیل می‌کردند می‌رفتند پی کارشون؟

چی میگی؟ توهم زدی؟
ما: نه ... توهم نردم... من با منتشرکردن مطالب در فیس‌بوک و اینستاگرام و توییتر – دانسته یا ندانسته– آب ریختم به آسیاب خارجی‌ها تا با ری توییت (که نوعی ابزار جاسوسی است) و شیر و بازنشر مطالب من، پایه‌های ما را تضعیف کنند.

مأمور: الکی... تو این مطالب رو می‌داشتی توی فیس‌بوک‌اینا که هی لایکت کنند خوشش بیاد دیگه... من خودم صفحه دارم توی فیس‌بوک و اینستاگرام و توییتر، بلدم این چیزها رو شیطون...

ما: آقا... نمیشه من رو دستگیر کنید؟ من به صورت کلی تنم می‌خاره.

مأمور: خیلی شیطونی شسم... تن شما می‌خاره بعد می‌خواهی من دستگیرت کنم که تویی زندان بری حموم تا پول آب گرم و صابون‌ت از مالیات مردم تأمین شه؟ اصلا امکان نداره... برو خونه‌تون پسرم... بدو...

شترق روزنامه



مجموعه نمایندگی های مجاز فروش خودرو		پرشین پارس	
2018		پرشین پارس	
کد صنفی: ۰۲۳۵۸۷۲۳۶ - سال تاسیس ۱۳۸۱		پرشین پارس	
ساعت کار در تمام شعب ۸ صبح الی ۲۱ و روزهای تعطیل ۱۶ الی ۱۹		پرشین پارس	
شعبه سعادت آباد: سعادت آباد، ترسیده میدان، کج بین خیابان، جدهم و شتر قهوه، پلاک ۵۵۱۱		شعبه سعادت آباد: سعادت آباد، ترسیده میدان، کج بین خیابان، جدهم و شتر قهوه، پلاک ۵۵۱۱	
شعبه اسفندپار: خیابان ولیعصر، تقاطع نیاش و اسفندیار، پلاک ۲۵۶۵ (با پارکینگ اختصاصی)		شعبه اسفندپار: خیابان ولیعصر، تقاطع نیاش و اسفندیار، پلاک ۲۵۶۵ (با پارکینگ اختصاصی)	
شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قذات، پلاک ۴۵۳۴		شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قذات، پلاک ۴۵۳۴	



در دوره دوم اصلاحات عده‌ای از سرعت حرکت دولت و شخص رئیس‌جمهور راضی نبودند و آن را در برابر موج مطالبات ناچیز می‌دانستند. آنها ابتدا رئیس‌جمهور را ناتوان خواندند و سپس خواستار استعفايش شدند. تصورشان این بود که رئیس‌جمهور به دلیل مشی ملایم خود عملا مانع از تحقق سریع‌تر عزم عمومی شده است. اوج آن حرکت شاید در مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تهران دیده شد که بخشی از آن جریان در مقابل رئیس‌جمهور شعارهای مخالف‌خوان داد و پاسخ هم این بود که ان‌شاءالله بعد از من افرادی خواهند آمد و مطالبات شما را محقق می‌کنند. خوانش دوباره این داستان در این روزها ترازیک است. همه می‌دانند که هشت سال سخت بعد از او چگونه گذشت و چطور همه کاشته‌ها ویران شدند و به‌جای آنها، پاره‌ای جریان‌های برپیشه و گنده‌گو و هزینه‌آفرین و فسادزا رویندند. بگذریم! دو چیز در آن دوران سبب روی‌کارآمدن احمدی‌نژاد و ماجراهای پس از آن شد: اول توهمی که در میان جریان‌ت رأس اصلاحات شکل گرفته بود که تصور می‌کردند اقبال عمومی را در هر صورت در اختیار خواهند داشت، در نتیجه هیچ‌یک برای مذاکره و اتلاف با دیگری پیش‌قدم نبود و انشقاقی خانه‌خراب‌کن ایجاد شد. دوم یاس و افسردگی و سرخوردگی عمومی که جامعه را از

قصه‌های شهر

کتاب با سس اضافه!



بعضی آدم‌ها در شغلشان کاسب هستند، بعضی عاشق... حالا نه‌اینکه کاسب‌بودن چیز بدی باشد، ابداء، فقط آنهایی که عاشق هستند کارشان برای دیگران هم حال خوشی ایجاد می‌کند؛ مثلاً وقتی من بچه بودم، نفت را با پیت داخل چرخ‌دستی می‌گذاشتند و دم خانه‌ها می‌آوردند. این شغل شریف در محله ما برعهده مرد نسبتاً جوان و بسیار خوشرویی بود. مش‌رمضان هر‌بار همین‌طور که پیت‌های نفت را به داخل خانه ما می‌آورد، با همه احوال‌پرسی و شوخی می‌کرد؛ سرحال و قیراق بود و با حضورش اهل خانه را هم به وجد می‌آورد. من در عالم بچگی فکر می‌کردم این خوش‌اخلاقی و سرزندگی بابت شغلش است، در نتیجه هرکس از من می‌رسید دخترجان می‌خواهی وقتی بزرگ شدی چه‌کاره بشوی، می‌گفتم نفت!

خوشبختانه شغل نفتی در گذر زمان برچیده شد، اما عادت به نگاه‌کردن به شغل آدم‌ها و تشخیص کاسب یا عاشق‌بودنشان همچنان در من باقی مانده است؛ مثلاً در محله سکونت ما یک پروتئینی هست یا به عبارتی همان قصابی سابق که تومانی هفت صنار با قصابی فرق دارد. گرچه پروتئینی‌فروشی‌های امروزی هیچ‌کدام ربطی به قصابی‌های سابق ندارند و آن فضای خوفناک با لکه‌های خون روی درودیوار و ساطور روی کنده و چنگک‌های بزرگ آویزان در آنها وجود ندارد، اما این پروتئینی محل ما یک توفیر اساسی با بقیه هم‌صنفانش دارد. صاحبان این مغازه که مردان جوانی هستند، همیشه با خوشرویی و خوش خلقی داخل مغازه تمیز و مرتبشان می‌نشینند. در داخل یک قفسه چوبی را که بغل دخلشان است، کنار انواع ادویه‌ها و سس‌های اشتهاپزاینکیز گذاشته‌اند، یک طبقه را هم به مجله و کتاب اختصاص داده‌اند و تعدادی از مجلات درست‌وحسابی فرهنگی- هنری را کنار هم چیده‌اند. همیشه یک یا دو روزنامه صبح روی پیشخوانشان هست. خیلی‌وقت‌ها موقع عبور از جلوی مغازه، از پشت شیشه سرک می‌کشم و یکی از آنها را می‌بینم که با تبلتش در حال مطالعه است.

رفتن به مغازه آنها حال من را خوب می‌کند، در نتیجه بیشتر به آنجا می‌روم و بیشتر گوشت‌خوار شده‌ام. ان‌شاءالله کتاب‌خوار هم خواهم شد.

پشت جلد

ناامیدی سم است

هماهنگ و یکپارچه و بازسازی درونی بازدارد. در جامعه هم همه باید بداندند ناامیدشدن یا افسردگی نقطه توقف همه آن چیزی است که تا آن روز طلب می‌شده و هر حرکتی پیشاپیش به رفع آن افسردگی منوط است. از سوی دیگر باید دانست ناامیدکنندگان هم هدفشان تحول وضعیت به سمت گره‌گشایی یا معیشت بهتر یا فضای بازتر نیست، بلکه از ایجاد وضعیت ناامیدی جز فضای بسته و محدودیت بیشتر و بازشدن راه برای تئدروها در نمی‌آید. به‌عبارت دیگر ناامیدی دقیقاً فرش قرمزی است که فضا را برای علتی که باعث ایجاد خود آن شده می‌گشاید. هفته گذشته همایش امید اجتماعی در یکی از دانشگاه‌های تهران برگزار شد. از این رویداد و خوش‌فکری و همتی که آن را تدارک دیده باید استقبال کرد. امید اجتماعی نیروی محرکه همه حرکت‌های اصلاحی آینده است. دمیمن بر امید اجتماعی هرگز به معنای نادیده‌گرفتن مشکلات کوچک و بزرگ و انتقادات یا اعتراضات فراگیر نیست، بلکه برعکس امید، راه را بر پیگیری و اصلاح روش‌های ناآکارآمد و نادرست می‌گشاید. بدون امید هیچ پیشرفتی نخواهد بود. کسی که عزم قله یک کوه رفیع را دارد، از ابتدا بر ناهمواری و سختی راه پیش‌رو آگاهی دارد و در مواجهه با آنها ناامید نمی‌شود. پیشرفت و فردای بهتر قطعی است اگر شعله امید همچنان روشن باشد و بر دل‌های روندگان راه بتابد و راه‌ها را نمایان کند. چنین باد.

فراموش نکنیم

پیامدهای حقوقی سانچی

حادثه سانچی مانند دیگر حوادث ناگوار از قبیل زلزله و خشک‌سالی و سقوط هواپیماد دل همه هم‌وطنان را به درد آورد. این حادثه علاوه بر لطمات معنوی‌ای که به احساسات عمومی جامعه وارد کرد خسارات مادی فراوانی نیز برای کشور در پی داشت. ادعای حقوقی کشورهایی مانند چین و ژاپن و کره و درخواست خانواده شهدای حادثه، همه و همه بار سنگینی بر دوش مسئولان گذاشته است. کشتی سانچی با پرچم کشور پاناما تحت مالکیت ثبتی شرکت Bright shipping در کشور بلژ و مدیریت شرکت ملی نفتکش، محموله میعان گازی را از جزیره خارک به مقصد کشور کره بارگیری کرد و در آب‌های آزاد و بین‌المللی خارج از قلمرو صلاحیت دریایی کشورها با یک فروند کشتی چینی با پرچم هنگ‌کنگ تصادف کرد و دچار آتش‌سوزی شد. متأسفانه سانچی پس از چندین روز سوختن و جلوگیری مقامات چینی از کمک سالوبج‌های (نجات‌دهندگان) اعزامی از طرف ایران در آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی که سه کشور چین و ژاپن و کره در حاکمیت بر آن اختلاف دارند، با محموله غرق شد و هم‌اکنون در عمق ۱۰۷ متری در ماسه‌های کف دریا فرورفته است و سوخت کشتی و محموله آن به‌تدریج از کشتی نشت می‌کند و باعث آلودگی آب‌های اطراف آن می‌شود. خساراتی که تاکنون وارد شده بیش از ارزش کشتی سانچی به مبلغ ۲۷ میلیون دلار و ارزش محموله آن بوده که حدود ۶۰ میلیون دلار است. بنا بر اطلاع، مقامات بندری چین برای بازرسی و نظارت موقعیت کشتی اقداماتی نه‌چندان ضروری را انجام می‌دهند و صورت‌حساب‌های میلیون دلاری برای شرکت ملی نفتکش ارسال می‌کنند و بدتر اینکه به هیچ شرکت خارجی دیگری که مورد نظر ایران است اجازه نجات و شناورسازی کشتی را نمی‌دهند و علی‌رغم مخالفت ایران منحصراً شرکت‌های چینی را به این کار می‌گمارند و هزینه‌های زیادی را که عمدتاً ضروری نیست، بر شرکت ملی نفتکش تحمیل می‌کنند. علاوه بر خسارات معنوی خانواده معظم شهدای حادثه، دیه عزیزان نیز باید پرداخت شود. ۲۱ نفر کارکنان کشتی و فرمانده آن به‌جز دو نفر که تبعه بنگلادش بودند، ایرانی هستند. خسارات آلودگی محیط زیست دریایی که از طرف چین و نیز اخیراً ژاپن مطالبه شده است و به‌زودی کشور کره نیز به آن اضافه می‌شود، هزینه‌های بسیار زیادی را به دنبال دارد. با توجه به اینکه هر دو کشتی و به نسبت بیشتر کشتی سانچی در رخداد تصادف مقصر بودند، مسائل یادشده مشکلات حقوقی عدیده‌ای را پدید آورده است؛ مانند نحوه جبران خسارت به کشتی سانچی و کشور کره به‌عنوان صاحب محموله و نیز نحوه پرداخت خسارت آلودگی محیط زیست دریایی و پرداخت دیه به بازماندگان و مراجع قضائی صلاحیت‌دار برای رسیدگی به ادعای ایران و سه کشور دیگر؛ یعنی چین، ژاپن و کره.

با توجه به اینکه حادثه تصادف در آب‌های دریای آزاد رخ داده است و طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، رسیدگی به دعوی تصادف باید در دادگاه‌های کشتی مقصر اقامه شود؛ هرچند که طبق کنوانسیون مداخله در دریای آزاد که عرف بین‌الملل محسوب می‌شود، دولت چین می‌توانست اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از گسترش آلودگی به عمل آورد. در این فرض با توجه به مالکیت کشتی سانچی که شرکت Bright shipping و تحت پرچم پاناما فعالیت می‌کرده است، دادگاه‌های پاناما صلاحیت رسیدگی به دعوی کشتی چینی را دارند و با توجه به مقصربودن هر دو کشتی دعوی مطالبه خسارت کشتی سانچی علیه کشتی چینی در دادگاه هنگ‌کنگ به دلیل اینکه کشتی تحت پرچم هنگ‌کنگ بوده است، اقامه می‌شود. اما چینی‌ها به‌دلیل غرق‌شدن کشتی در منطقه انحصاری اقتصادی آنها و به علت پایین‌بودن سقف بیمه کشتی در کشور چین و با هدف غرامت کمتر، دعوی را در دادگاه چین اقامه می‌کنند. همچنین چون حفاظت محیط زیست دریایی منطقه انحصاری اقتصادی به عهده کشور ساحلی است و آلودگی آب منطقه انحصاری اقتصادی که سه کشور چین و ژاپن و کره ادعای حاکمیت بر آن را دارند و هر روز از سوخت کشتی و محموله آن به وجود می‌آید، در هر یک از دادگاه‌های آن سه کشور قابل رسیدگی است. خانواده شهدای حادثه برای دریافت دیه ابتدا باید فوت عزیزان خود را ثابت کنند که در مورد شهدایی که پیکر آنها یافت شده است، مشکلی وجود ندارد ولی درباره عزیزانی که هنوز مفقودالبیگر هستند، مطابق ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی باید به مدت سه سال از حادثه نگذرد تا حکم موت فرضی آنها صادر شود مگر اینکه بتوانند از بند دو ماده۱۲۶ اصلاحیه ۱۳۶۳ قانون ثبت احوال که مقدر می‌دارد در صورت فوت اشخاص از طرف صاحب مکانی که فوت در آن رخ داده است، استفاده کنند و مراتب فوت را مقامات شرکت ملی نفتکش به ثبت احوال اعلام کنند تا با ثبت فوت آنها مسئله موت فرضی منتفی و دیه شهدای عزیز قابل مطالبه شود. تأمین بیشتر خسارات گفته‌شده تحت پوشش شرکت P&I نروژ است که کارکنان و بدنه و ماشین‌آلات کشتی‌ها را شامل می‌شود. اما مشکلات تبادل‌ات ارزی بین بانک‌های خارجی و بانک‌های ایران پرداخت بیمه را با مشکل مواجه می‌کند. صاحب محموله، یعنی کره‌ای‌ها، به نسبت تقصیر دو کشتی حق اقامه دعوی علیه دو کشتی را در دادگاه‌های چین و هنگ‌کنگ دارند. رسیدگی به جنبه کیفری تصادف طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با کنسوری است که گواهی‌نامه دریانوردی برای فرمانده و کارکنان کشتی صادر کرده است؛ همچنین مجازات اشخاص مقصر نیز در صلاحیت آن کشور است.

◀استاد دانشگاه و دکتری حقوق دریایی از انگلیس

۶ درجه

معلمان بدون سلاح

ArmMeWith# به معلمان پیشنهاد می‌کند به منابع دیگری مجهز و مسلح شوند. مانند بودجه بیشتر، مشاوران بیشتر در مدرسه اضافی و کلاس‌های کوچک‌تر و با دانش‌آموزان کمتر. در اوایل این هفته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این پیشنهاد را که برخی از معلمان مسلح باشند، با عنوان «بازدارنده بزرگ» برای تیراندازی در محوطه مدارس مطرح کرد. اولیویا برتلز، یکی از افرادی که این هشتک را در شبکه اجتماعی به راه انداخته، معلم زبان انگلیسی در یوتااست که می‌گوید این واکنشی برعهده بگیریم».

است به پیشنهاد ترامپ که تصور می‌کند وجود اسلحه بیشتر در مدارس، آنها را ایمن‌تر می‌کند. وی می‌گوید: «من برای آموزش‌دادن به بچه‌ها به کالج رفتم، نه‌اینکه یک انسان دیگر را بکشم. اگر می‌خواستم شغل دیگری داشته باشم که اسلحه حمل کنم، مسیر متفاوتی را در پیش می‌گرفتم. معلمان همین حالا هم به علت کمبود بودجه، پشتیبانی ناکافی و منابع ناکافی بار سنگینی بر دوش دارند. حالا از ما می‌خواهند که بار سنگین‌تر حمل اسلحه برای کشتن را هم برعهده بگیریم».